



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

چشم انداز کانادایی در مورد ناتوانی های یادگیری

نگرش کانادایی

همانطور که توسط پورتر (۱۹۸۷) یکی از جامعه شناسان مطرح کانادایی مطرح شده است، « در رابطه با ایجاد کردن یک مشخصه ی کانادایی و به دست آوردن یک ساختار مرتبط، اطلاعات کمی وجود دارد». در نتیجه، ما مجبور هستیم که تا حد زیادی ، نتیجه گیری مطلوب خودمان را مبتنی بر مشاهدات انجام شده، به دست بیاوریم. مشاخره ی ما مرتبط با این موضوع است که نگرش های کانادایی در رابطه با نیاز به تدارک عمومی تحصیلات، خدمات درمانی و خدمات اجتماعی، اعتماد ما به سازمان های عمومی و ترجیح ما برای همکاری در رابطه با دعوی های قضایی بر روی حالت ارائه ی خدمات خاص برای کودکان مبتلا به مشکلات یادگیری و روند تصمیم گیری، تاثیر داشته است. علاوه بر این، یک فلسفه ی عمومی در رابطه با نیاز در نظر گرفتن کلیت کودک نیز بر روی نوع خدمات ارائه شده تاثیر گذاشته است.

تاثیر نگرش های بالا بر روی خدمات برای کودکان مبتلا به مشکلات یادگیری چه بوده است؟ نخست، بیشتر این خدمات در موسسه های عمومی ارائه می شود - در اصل در سیستم های مدارس و همچنین در مرکز های یادگیری وابسته به دانشگاه و بیمارستان و مرکز های روان درمانی کودکان. با وجود این که زمان انتظار نسبتا زیاد برای این خدمات یکی از نگرانی ها در این زمینه می باشد و کسانی که خدمات بهتری ارائه می دهند احتمالا مجبور می شوند خدمات بیشتری ارائه کنند، مشکلات مالی معمولا به ندرت در این زمینه نگرانی ایجاد می کند. معمولا، هیات های مدارس و دیگر آژانس ها این کودکان را به یکدیگر ارجاع می دهند و با یکدیگر همکاری می کنند تا بتوانند برنامه های ضروری برای هر کودک را اجرا کنند. اما، گاهی (البته به ندرت) در یک سازمان عمومی (مانند هیات امنای مدرسه) شرایطی ایجاد می شود که به یک سازمان دیگر (مثلا کلینیک های بیمارستان) هزینه پرداخت می کنند تا در حوزه ی فعالیت موسسه ی اولیه، برای کودک خدمات فراهم شود. علاوه بر این، گاهی بین بخش خصوصی و بخش عمومی، بی اعتمادی وجود دارد.

پورتر (۱۹۸۷) ، همزمان با نویسنده ی ادبی منتقد مارگارت آتوود، بیان می کند که « نجات یک طرح کلی در زندگی سیاسی می باشد و نگارانی ما برای نجات به عنوان یک نهاد سیاسی موجب می شود که حالت ویژه ای برای فعالیت های گذشته ی ما ایجاد شود که باعث می شود مشکلات و همه چیز همانطوری که هستند، مطلوب به نظر برسند.» دیدگاه ما این است که تفسیر پورتر، با وجود این که خیلی صحیح نیست، اما می توان آن را مثبت تر بیان کرد. آیا ترجیح به مصالحه نسبت به مقابله، ترجیح به همکاری نسبت به دعوی قضایی واقعا به این معنی است که « ما کانادایی ها افرادی محافظه کاری هستیم؟»

همانطور که توسط کرونیک (۱۹۸۷) بیان شده است « تدارک خدمات برای کودکانی که مشکلات یادگیری دارند ، یک روند غیر رقابتی می باشد که منجر به مداخله های کلی و همکاری گونه بین مدرس ها، سرپرست ها، همسن و سال ها و مهم تر از همه، خود فردی مبتلا به مشکلات یادگیری شده است.» دیدگاه ما این است که این ترجیح عمومی نسبت به مصالحه و همکاری منجر به منفعت کودکان مبتلا به LD شده است. منظور ما این است که زمان و انرژی کارمندان خدمات ویژه به کودکان در مدارس ، بیشتر به حالت های غیر رسمی ارزیابی معطوف شده است، و برنامه های راهبردی سازمانی به عنوان هدف شکل گرفته اند نه برنامه های ارزیابی رسمی به هدف مستند سازی نیاز برای خدمات. معمولا، جلسه های کمیته برای تصمیم گیری در رابطه با قرار دهی و یا برنامه ریزی سرویس ها ، غیر رسمی و دوستانه می باشد. با وجود این که قوانین در این زمینه در بسیاری از استان ها بسیار ضعیف می باشد، خدمات و برنامه ها معمولا بدون تصدیق قانون گذاری های اجباری انجام می شود. به علاوه، این دیدگاه جامع به این معنی است که حداقل مقداری توجه به مهارت های اجتماعی و آموزش سرپرست های کودک و ارائه ی مشاوره نیز پرداخته می شود.

خدمات برای افراد بالغ مبتلا به مشکلات یادگیری

خدمات برای افراد بالغ مبتلا به مشکلات یادگیری ، در بیشتر کانادا در مرحله ی اولیه ی خودش قرار دارد. با وجود این که بسیاری از دانشگاه ها و دانشکده های انجمنی دفتر های نیاز خاص دارند، تا همین چند وقت پیش تمرکز این دفتر ها بر روی تدارک محل اسکان برای دانشجویان مبتلا به معلولیت های حسی و فیزیکی بوده است. به صورت

مشابه، کارمندان بسیار دقیق نسبت به مشکلات یادگیری و نیاز برای رفع مشکلات، آگاه می شوند. برنامه های سواد آموزی افراد بالغ، هنوز از نظر بودجه با مشکلات زیادی رو به رو است.

اما خدمات موجود برای افراد بالغ با مشکلات یادگیری در حال توسعه می باشند، که تا حدودی نتیجه ی توسعه ی زمینه ی آموزش و تا حدی نیز به دلیل تصویب قانون فدرال حقوق انسانی و آزادی در سال ۱۹۸۲ و حقوق بشر در هر استان می باشد. همانطور که در قسمت بالا اشاره کردیم، بخش ۱۵ از حقوق بشر و آزادی، دانشگاه ها، دانشکده ها و مراکز استخدام را از ایجاد تبعیض علیه دانش آموزان و کارمندانی که مشکلات یادگیری دارند، منع کرده و آن ها را ملزم می سازد تا با ارائه ی خدمات لازم و مناسب، نیاز این گروه از افراد را به صورت شایسته تامین کنند.

در نتیجه ی این قانون، استان ها سازمان های ثانویه با بودجه های ضروری برای این خدمات خاص، ایجاد کرده اند. به عنوان مثال در آنتاریو، این بودجه ها که در سال ۱۹۸۹ تخصیص یافته اند، مبتنی بر ثبت نام کلی دانش آموزان به صورت جاری می باشد و به نظر کافی می باشد. در نتیجه، برنامه های مختلفی برای دانش آموزان با نیاز های خاص توسعه یافته است تا حدی که دانش آموزان مبتلا به مشکلات یادگیری حالا می توانند از این برنامه ها استفاده کنند. مشکل این طرح ها این بوده است که توسعه ی آن ها آن قدر سریع بوده است که یافتن رهبر های آموزش دیده و ارائه دهنده ی خدمات نهایی، کمی با دشواری رو به رو شده است

بعضی دیگر از برنامه ها که پیشرفت بهتری داشته اند، شامل برنامه های مشکلات یادگیری در دانشگاه یورک می باشد که در سال ۱۹۸۴ این طرح با دریافت بودجه از سازمان مشاوره ی کانادا باز شده است. یک برنامه ی دیگر نیز مرکز منابع مشکلات یادگیری می باشد که در دانشگاه بریتیش کلمبیا ایجاد شده و شروع آن توسط ریسک هانسن انجام شده است (یک قهرمان کانادایی که با رفتن به سراسر جهان با استفاده ای صندلی چرخدار، بودجه برای تحقیقات مرتبط با بیماری های عصبی را افزایش داد). برای آموزش پرسنل برای کار با افراد بالغ مبتلا به نیاز های خاص، دپارتمان آموزش و تحصیلات خاص در موسسه ی مطالعات آموزشی در آنتاریو، یک برنامه ی ارشد را با تمرکز بر روی نیاز های یادگیری افراد بالغ و نیاز های خاص آن ها، در سپتامبر ۱۹۹۱، شروع کرد.

جمع بندی

بحث جاری در رابطه با مشکلات یادگیری نشان دهنده ی یک تصویر مثبت از فعالیت های مرتبط با مشکلات یادگیری و تحقیقات در این زمینه در کانادا می باشد. با وجود این که آهنگ مثبت برای این تحقیقات مناسب است، این تحلیل نشان دهنده ی بعضی از مشکلات در این زمینه می باشد. نخست، با توجه به قوانین و ارائه ی این خدمات، دلایلی وجود دارد که ما باید در این زمینه نگران باشیم که سه استان (بریتیش کلمبیا، آلبرتا، و جزیره ی پرنس ادوارد) هنوز قوانین خاص تحصیلات اجباری را تصویب نکرده اند. با وجود این که نمونه های تحت حقوق بشر فدرال و آزادی بیان می کند که کودکان خاص در این سه استان حق تحصیلات و سرپرستی را دارند، اما در این قانون و دادگاه های ایالتی استاندارد های مشخصی برای تحصیلات این کودکان در نظر گرفته نشده است. همانطور که توسط پوپر و همکارانش بیان شده است، قوانین برای تدارک سراسری یا نیمه سراسری دسترسی نیز یکی از موضوعاتی است که باید در استاندارد ها به آن ها رسیدگی کرد.

یک مشکل ثانویه نیز، کمبود خدمات آموزشی خاص برای کودکان بومی با مشکلات یادگیری می باشد. باید به این نکته توجه داشت که کمبود خدمات برای کودکان بومی محدود به حوزه ی مشکلات یادگیری نمی باشد؛ موضوعات مبنایی اقتصادی، فیزیکی و موضوعات سلامت روانی نیز باید برای این جامعه در نظر گرفته شود.

با وجود این که کودکان در س مدرسه با مشکلات یادگیری نسبتاً امکانات خوبی را در کانادا دریافت می کنند، خلا های جدی در خدمات برای کودکان پیش دبستانی و افراد بالغ وجود دارد. با وجود این که تشخیص های جدی و مرکز های درمانی برای کودکان پیش دبستانی با مشکلات یادگیری و دیگر مشکلات تکاملی وجود دارد، در بیشتر استان ها هیچ برنامه ی پویس سراسری برای شناسایی این کودکان قبل از مدرسه وجود ندارد. خدمات برای افراد بالغ مبتلا به مشکلات یادگیری در کانادا هنوز در مراحل اولیه اش قرار دارد. خوشبختانه، به نظر می رسد که در زمینه ی جمعیت افراد بالغ، کار های زیادی در حال انجام می باشد که می تواند به رشد و توسعه در این زمینه شود.

انجمن و جوامع کانادایی و ارائه ی این خدمات می تواند فرصتی برای تحقیقات باشد. تحقیقات در زمینه مشکلاتی که کودکان مبتلا به اختلال یادگیری با آن رو به رو هستند و نمی توانند زبان ثانویه را یاد بگیرند، می تواند درک ما در رابطه با اختلال های یادگیری و یادگیری زبان دوم را افزایش دهند. به عنوان مثال، محقق های مختلف در حال بررسی

فرضیه های مختلف انتقال بین زبان های مختلف در مقایسه با ویژگی های زبانی می باشند. آن ها بررسی می کنند که کودکان پرتغالی و کانادایی تا چه حدی مشکلات خواندن به زبان انگلیسی و زبان مادری خودشان دارند. داده های اولیه بیان می کند که برای بیشتر بخش ها، مشکلات مشابهی در هر دو زبان وجود دارد با وجود این که بعضی از انواع خطاها خاص درست نویسی می باشد. با وجود این ، تحقیقات درون استانی مقایسه ای در رابطه با ارائه ی خدمات می تواند به ما کمک کند تا سیاست های مختلف برای این کودکان مبتلا به اختلال یادگیری در محیط های شهری و روستایی را تنظیم کنیم. در نهایت، نواحی ای در کانادا وجود دارند که می توان از آن ها به عنوان یک مدل استفاده کرد. به دلیل رسم و رسوم ما، خدمات برای کودکان مبتلا به اختلال های یادگیری بیشتر برای کودکان کامل و نه دور افتاده انجام می شود. تدریس و مدرس ها بیشتر احترام دریافت می کنند. مشاوره های همکاری و پشتیبانی های همکاری گونه یک قانون هستند نه یک استثنا. در نتیجه، با وجود کمبود های قانونی، بیشتر کودکان و بعضی از افراد بالغ مبتلا به ناتوانی های یادگیری ، به خوبی خدمات دریافت می کنند.

REFERENCES

- Adelman, H.S. (1989). Beyond the Learning Mystique: An interactional perspective on learning disabilities. *Journal of Learning Disabilities*, 22, 301-304.
- Association for Children with Learning Disabilities. (1981). Definition of learning disabilities. *National*, 18(6), 1.
- Bachor, D.G., & Crealock, C. (1986). *Instructional strategies for students with special needs*. Toronto: Prentice-Hall.
- Bruck, M. (1978). The suitability of early French immersion programs for the language disabled child. *Canadian Journal of Education*, 3, 51-72.
- Bruck, M. (1982). Language impaired children's performance in an additive bilingual education program. *Applied Psycholinguistics*, 3, 45-60.
- Bruck, M. (1985). The adult functioning of children with specific learning disabilities: A follow-up study. In I. Sigel (Ed.), *Advances in applied developmental psychology* (Vol. 1, pp. 91-129). Norwood, NJ: Ablex.
- Golick, M. (1981). *Deal me in: The use of playing cards in learning and teaching*. New York: J. Norton.
- Golick, M. (1986). *Reading, writing and rummy: More than 100 card games to develop language, social skills, number concepts and problem-solving strategies*. Markham, Ontario: Pembroke.
- Henteleff, Y.M. (1990). *Recent judgements of the supreme court of Canada—New hope for the learning disabled*. Unpublished report submitted to the Learning Disabilities Association of Canada.

- Canadian Charter of Rights and Freedoms: Constitution Act, 1982, Schedule B of the *Canada Act, 1982* (U.K.) C.11 (1982).
- Carey, S.T. (1987). Reading comprehension in first and second languages of immersion and francophone students. *Canadian Journal for Exceptional Children, 3*, 103-108.
- Csapo, M. (1989). *Children in distress: A Canadian perspective*. Vancouver, BC: Centre for Human Development Research.
- Cummings, R.L., Hebb-Grier, A., Brazil, K., & Vallance, D. (1990). *Integra study of the mental health needs of children and youth with learning disabilities in Metropolitan Toronto*. Unpublished report submitted to the Toronto Area Office of the Ontario Ministry of Community and Social Services.
- Cummins, J. (1979). Linguistic interdependence and the educational development of bilingual children. *Review of Educational Research, 49*, 222-251.
- Cummins, J. (1984). *Bilingualism and special education: Issues in assessment and pedagogy*. Austin, TX: PRO-ED.
- Cummins, J. (1987). Psychoeducational assessment in multicultural school systems. *Canadian Journal for Exceptional Children, 3*, 115-117.
- Da Fontoura, H.A., & Siegel, L.S. (1991, July). *A study of the language and reading skills of bilingual Portuguese-Canadian children*. Paper presented at the biennial meeting of the International Society for the Study of Behavioural Development, Minneapolis, MN.
- Deutsch-Smith, D., Deshler, D., Hallahan, D., Lovitt, T., Robinson, S., Voress, J., & Ysseldyke, J. (1984). Minimum standards for the description of subjects in learning disabilities research reports. *Learning Disability Quarterly, 7*, 221-228.
- Golick, M. (1970). *A parents' guide to learning problems*. Montreal: Quebec Association for Children with Learning Disabilities.
- Kronick, D. (1987). *A linguistic/conceptual/dynamic model of social skills intervention*. Unpublished manuscript.
- Lambert, W.E. (1975). Culture and language as factors in learning and education. In A. Wolfgang (Ed.), *Education of immigrant students* (pp. 55-83). Toronto: Ontario Institute for Studies in Education.
- Lambert, W.E., & Tucker, R. (1972). *Bilingual education of children: The St. Lambert experiment*. Rowley, MA: Newbury House.
- Poirier, D., Goguen, L., & Leslie, P. (1988). *Educational rights of exceptional children in Canada: A national study of multi-level commitments*. Toronto: Carswell.
- Porter, J. (1965). *The vertical mosaic: An analysis of social class and power in Canada*. Toronto: University of Toronto Press.
- Porter, J. (1987). Canadian character in the twentieth century. In J. Porter, *The measure of Canadian society: Education, equality and opportunity* (pp. 89-101). Ottawa: Carleton University Press.
- So, D., & Siegel, L.S. (1991). *Reading, language, and memory skills of bilingual English-Cantonese children*. Unpublished manuscript.
- Statistics Canada. (1990). *Minority and second language education: Elementary and secondary levels*. Ottawa, Ontario: Statistics Canada 81-257.
- Trites, R. (1976). Children with learning difficulties in primary French immersion. *Canadian Modern Language Review, 33*, 193-216.
- Trites, R. (1981). Primary French immersion: Disabilities and prediction of success. *Review and Evaluation Bulletins, 2*.
- Trites, R. (1986). *Learning disabilities and prediction of success in primary French immersion: An overview*. Toronto: Ministry of Education, Ontario.

(Continued on page 371)



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی